

مدیریت بحران با رویکردی بر امنیت داخلی

()

پژوه : 

با توجه به ویژگی‌های جهان امروز (توسعه و پیشرفت) و انتظارات جوامع بشری از دولت‌ها، هر جامعه‌ای ممکن است دچار ناآرامی‌ها و بحران‌هایی گردد. یکی از این بحران‌ها در خصوص امنیت داخلی و به مخاطره انداختن آن است که در قالب اغتشاشات، اجتماعات و ... شکل می‌گیرد.

وضعیت جامعه ایران و استثنا نبودن آن از شرایط فوق، سبب تهیه این نوشتار گردید. در این مقاله مطالبی پیرامون مدیریت بحران و اداره شرایط موجود (مدیریت اقتصادی) با توجه به وضعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جامعه ایران ارائه شده و راه‌حل‌هایی به منظور مقابله با بحران‌های داخلی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: مدیریت بحران، امنیت داخلی، ناآرامی اجتماعی.

مقدمه

جهان امروز واجد ویژگی‌هایی است که با چند دهه قبل تفاوت بسیار دارد. با توجه به انتظارات روزافزون جوامع بشری، توسعه سریع و فزاینده‌ی تکنولوژی، زلزله رقابت‌ها و ناپایداری توازن‌ها، تقابل مسلک‌ها، تمایلات به مادی‌گرایی و در نتیجه دوری از اصالت و فطرت و پیوندهای معنوی انسانی روند سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دنیای کنونی را دستخوش التهابات و بحران‌های سرنوشت ساز کرده است.

میل به بقا و نیاز به آسایش و امنیت، کشورهای کوچک و بزرگ را بر آن می‌دارد که در این جهان پر آشوب هریک به فراخور امکانات و منابع مادی و معنوی، حیات سیاسی، استقلال و تمامیت ارضی خود را از گزند حوادث و تمایلات مخرب بشری و بحران‌ها مصون بدارند که کشور ایران نیز این ویژگی‌ها جدانیست. (کاظمی، ۱۳۶۶، ص ۱)

بدون شک انقلاب اسلامی از جمله پدیده‌های مهم و سرنوشت‌ساز قرن بیستم به حساب می‌آید. پدیده‌ای که توجه محققان، اندیشمندان، سیاست‌گذاران و شمار زیادی را در داخل و خارج به خود معطوف داشته است.

پدیده پیروزی انقلاب و حفظ جمهوری اسلامی را می‌توان ثمره مجاهدت و شهادت مردمی خداآگاه دانست.

به فرموده حضرت امام(ره): «ما برای این نهضت باید کوشش کنیم، یک نعمتی است که خداوند به ما داده است، باید این نعمت را حفظ کنیم. اگر خدای نخواسته این پیروزی که دنبال این انقلاب به دست آمده است، به واسطه سستی، به واسطه ضعف تبلیغ ما به شکست برسد، بدانید اسلام تا قرن‌ها نمی‌تواند سربلند کند.» (افتخاری، ۱۳۷۸، ص ۱۹). لذا لازم است نسبت به تهدیدات داخلی که منجر به ناآرامی و در نهایت بحران می‌گردد شناخت کامل داشته باشیم تا بتوانیم به طور مطلوب با آن مقابله کرده و از فرصت‌های فراروی نظام ج.ا.ا استفاده لازم را ببریم.

تعریف مدیریت: مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است که روش‌های اعمال مدیریت برای دستیابی به اهداف سازمانی براساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد.

۱- مدیریت نظام‌گرا: در این نوع مدیریت، تصمیم‌گیری بر مبنای اصول تدوین شده و روش جاری خاص می‌باشد. لذا مأموریت کل سازمان برحسب مدل سیستمی، (درونداد، فرآیند و برونداد) انجام می‌گیرد. نگرش سیستمی، چارچوبی را برای تجسم عوامل محیطی داخلی و خارجی به عنوان یک مجموعه متحد ارائه می‌دهد و شناخت وظیفه در نظام‌های کوچک، بزرگ و پیچیده را که نظام باید در آن فعالیت کند ممکن می‌سازد. در این نوع مدیریت تصمیم‌گیری صحیح هنر نیست؛ زیرا شدت بحران کم است، سرعت زیاد لازم نیست و همچنین زمان در اختیار مدیر است.

تصمیم‌گیری صحیح $\Rightarrow$ زمان کافی در اختیار است $\Rightarrow$ سرعت زیاد لازم نیست $\Rightarrow$ شدت بحران، کم است

۲- مدیریت اقتضایی: در این نوع مدیریت بر مبنای وضعیت و شرایط پیش‌آمده تصمیم گرفته می‌شود روش عمده مدیریت بر مبنای اقتضاست، اساس روش مدیریت بر مبنای اقتضا، بر این واقعیت تأکید دارد که آنچه مدیر در عمل انجام می‌دهد وابسته به مجموعه شرایط موجود است و نه تنها به وضعیت موجود توجه شده بلکه تأثیر راه‌حل‌های ارائه شده بر الگوهای رفتاری سازمانی نیز مورد نظر است. در این وضعیت، شدت بحران به وجود آمده، زیاد است، سرعت عمل لازم است، زمان کمی در اختیار مدیر است، لذا تصمیم‌گیری صحیح هنر است.

تصمیم‌گیری صحیح، هنر است $\Rightarrow$ مکان نیز در نظر گرفته می‌شود $\Rightarrow$ زمان کم در اختیار است $\Rightarrow$ سرعت زیاد لازم است $\Rightarrow$ شدت بحران زیاد

تصمیم‌گیری: جوهره تمامی فعالیت‌های مدیریت، تصمیم‌گیری است.
تعریف تصمیم‌گیری: انتخاب بهترین راه‌حل از بین چند راه حل را تصمیم‌گیری گویند.

فرایند تصمیم‌گیری

تعریف: عبارت است از یک شیوه تحلیلی و منطقی که به هنگام برخورد با مسأله یا مشکل به مدیر یا فرمانده کمک می‌نماید.

فرایند تصمیم‌گیری: ۱- مسأله‌یابی ۲- تعریف مسأله ۳- جمع‌آوری اطلاعات ۴- ساختن راه‌حل‌های ممکن یا موجود ۵- ارزیابی راه‌حل‌ها و انتخاب بهترین راه‌حل

عوامل مؤثر بر فرایند یک تصمیم‌گیری مناسب

۱- تصمیم درقبال مسأله ۲- تصمیم به موقع و به‌جا ۳- رعایت فرایند تصمیم‌گیری ۴- استفاده از نظرات تخصصی ۵- رعایت سرعت و دقت مناسب در تصمیم‌گیری ۶- پرهیز از تمایلات و سلاقی شخصی در تصمیم‌گیری (رضائیان - ۱۳۷۱، ص ۱۷)

تهدید

تعریف: به هر عنصر یا وضعیتی که موجودیت و ارزش‌های حیاتی را به خطر اندازد تهدید گویند. (مهری، گرمابدری، پاکار، ۱۳۷۴، ص ۶)

انواع تهدیدات

۱- برون مرزی ۲- درون مرزی

ابعاد تهدیدات درون مرزی

۱- تهدیدات علیه حیات نظام ۲- تهدیدات علیه اقتدار نظام

انواع تهدیدات درون مرزی

۱- تهدیدات سیاسی

این نوع تهدید معمولاً در قالب و شکل اتحادیه‌های مخالف به وسیله روابط دیپلماتیک میان کشورهای رقیب و تلاش دشمنان برای اتفاق نظر و اجماع در سازمان‌های بین‌المللی علیه آنها پیدا می‌شود. این تهدید علیه ارکان نظام (رهبری، ایدئولوژی، مردم) است. در حال حاضر با توجه به شرایط موجود تهدید اصلی متوجه مردم است که یکی از ارکان نظام سیاسی است و دشمنان به دنبال این هستند که با تغییر در برداشت و رفتار مردم نهایتاً آنها را از حکومت و رهبری جدا و ایدئولوژی آنها را تضعیف نمایند. اکنون به دلیل وجود جاذبه‌های ایدئولوژی و جاذبه‌های رهبری، هنوز دشمن به طور کامل موفق به این امر نشده است و باید مسئولین به فکر این امر باشند. در غیر این صورت مشکلاتی ایجاد خواهد شد. در نتیجه می‌توان گفت اکنون تهدیدات در این بعد، متوجه مردم و جدا کردن آنها از حکومت است، یعنی ابتدا تهدید اقتدار نظام و سپس حیات نظام مطرح است.

۲- تهدیدات اجتماعی و فرهنگی:

این تهدیدات اقداماتی است که یک کشور برای زایل یا کمرنگ کردن باورها و اعتقادات و ارزش‌های رایج در کشور حریف انجام می‌دهد. بر همین اساس و در بعد اجتماعی، نیکسون در کتاب فراسوی آشتی می‌گوید: باید در ایران روی ایجاد بحران اقتصادی و ایجاد بحران‌های اجتماعی کارکرد. در ایجاد بحران‌های اجتماعی و فرهنگی عوامل متعددی مؤثر هستند که به صورت اختصار به تعدادی از آنها اشاره می‌نمایم.

- گروهک‌ها: در کردستان و سایر مناطق، فعالیت‌های ضعیفی دارند که تهدید آنها علیه نظام نیست و فقط می‌توانند تهدید جزئی علیه اقتدار نظام باشند.
- قومیت‌ها: تنوع قومی و نژادی در ایران که اکثراً در مرزها ساکن هستند و مهاجرت بی‌رویه و حاشیه‌نشینی خود یک تهدید است؛ لذا با توجه به فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی که ج.ا.ا انجام داده است فعلاً تهدید آنچنانی علیه نظام وجود ندارد اما دشمن به آن دامن می‌زند.
- نارضایتی اجتماعی: این عامل در اثر توسعه نامتوازنی که ایجاد شده است و فقر و محرومیتی که در اثر بی‌عدالتی‌های اقتصادی به وجود آمده و ممکن است در آینده نیز شدت یابد، به وجود می‌آید که مسئولان نسبت به این موضوع باید توجه داشته باشند.
- مرزها: مرزهای کشور از اهمیت خاصی برخوردار است که مسئولان با روابط سیاسی، اقتصادی و... با کشورهای همجوار و همچنین شرایط فعال نظامی در جهت تأمین و امنیت مرزها باید به آن توجه نمایند. در حال حاضر به جز مسأله قاچاق و مواد مخدر تهدید قابل ملاحظه‌ای در مرزها وجود ندارد..
- اشرار و شرارت: وجود جمعیتی متفاوت از نظر مذهبی، قومی و سیاسی و مشکلات اقتصادی و معیشتی باعث شده که در بعضی مناطق افراد دست به شرارت بزنند، با توجه به قدرت نظامی و امنیتی و وجود طرح‌های مناسب و حضور فعال نیرو در مناطقی که اشرار وجود دارند (سیستان و بلوچستان، کردستان، جنوب خراسان)، این امر به حداقل رسیده است.
- جاسوسی: کشور ما به دلیل قرارگرفتن در منطقه حساس خاورمیانه و خلیج فارس و حضور آمریکا، اسرائیل و سایر دشمنان در اطراف، همواره در معرض خطر جاسوسی قرار دارد که به عنوان تهدید بالقوه به شمار می‌آید و لازم است دشمن و مناطق را زیر نظر و تحت کنترل داشت.

- شبیخون فرهنگی: تهاجم یا شبیخون فرهنگی جزء مهمترین ابعاد تهدید به شمار می‌رود که هم درون دینی و هم برون دینی می‌باشد. ایجاد شک و دو دلی نسبت به دین، ایجاد تردید در مدیریت رهبری و مسئولین، ایجاد شک در حکومت دینی و اینکه اسلام و دین می‌تواند حکومت داری کند یا خیر، زمینه‌های تهدید علیه اصل ولایت فقیه، حکومت دینی و اسلام می‌باشد که جراید، روزنامه‌ها و نوشتارهای دشمن، همگی در مورد آن قلم فرسایی نموده‌اند. اکنون دشمنان به دنبال تغییر در رفتار و افکار نسل جوان جامعه و زمینه‌سازی برای پیاده کردن اهداف خود هستند که این نوع تهدید به صورت شدید وجود دارد.

۳- تهدیدات اقتصادی:

مجموعه‌ای از اقدامات (یا زمینه‌های انجام و تقویت این اقدامات) است که یک کشور برای ایجاد اختلال در قدرت اقتصادی کشور حریف انجام می‌دهد. مانند: تحریم اقتصادی، کنترل مبادلات تکنولوژیک، دامپینگ (صدور کالاهای ارزان به کشور حریف به طور قاچاق به منظور ورشکست کردن منابع و قدرت تولیدی او). اقتصاددانان معتقدند که هر ۳-۵٪ درصد تورم باعث می‌شود که یک درصد امنیت به خطر افتد یا بعضی‌ها معتقدند که ۱۰٪ تورم موجب ۳٪ عدم امنیت می‌شود. این تهدیدات شامل موارد زیر است:

- تأمین منابع بودجه به صورت تک محصولی (نفت، مالیات)

- توزیع نامتعادل درآمد، گسترش بی‌عدالتی، فقر، محرومیت در جامعه و فشار تورم بر اقشار آسیب‌پذیر.

- گسترش اقتصاد زیرزمینی، بازار سیاه در کشور و تأثیر آن بر اقتصاد داخلی و ایجاد تورم.

- تحریم و محاصره اقتصادی و نقش آن بر واردات و صادرات.

- اتکای کشور از نظر محصولات کشاورزی و دامی به خارج و به کار نگرفتن استعداد داخلی در تولیدات آن.

- جوان بودن جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرها و مسأله‌ی حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر رشد بیکاری، تورم و کمبود مسکن.

- بخش دولتی و کارمند بودن اکثر مردم.

در نتیجه می‌توان گفت که تهدیدات اقتصادی مطرح شده عمدتاً به ضرر قشر مستضعف جامعه است و به بروز تهدیدات اجتماعی و فرهنگی کمک و نقش فزاینده‌ای در آن ایفا می‌کند.

تهدیدات اقتصادی علیه اقتدار نظام می‌باشد و اگر رسیدگی نشود ممکن است حیات نظام را مورد هجوم قرار دهد. از این رو بیشتر سخنان مقام معظم رهبری با مسئولان و مردم برحل مشکل معیشت مردم تأکید دارد.

۴- **تهدیدات نظامی:** وضعیتی است که یک کشور در خطر (بالفعل و یا بالقوه) هجوم نیروهای نظامی یک کشور یا اتحادی از کشورهای خارجی یا گروه‌های مسلح شورشگر داخلی قرارگیرد.

در سطح داخل کشور تهدیدات نظامی بر سه محور مطرح بوده است: ۱- کردستان ۲- سیستان و بلوچستان ۳- دیگر مناطق مرزی کشور

با استقرار سه فرماندهی قوی در مناطق: غرب، شرق و شمال شرق برای کنترل مناطق از داخل و خارج مرزها مشکل حادی وجود ندارد.

در یک جمع‌بندی در خصوص تهدیدات داخلی علیه نظام می‌توان گفت که با وجود رهبری مقتدر، جذبه‌های ایدئولوژی، همبستگی مردم و وفاق ملی، پشتیبانی‌های مردم از رهبری و حکومت که وجود دارد و خواهد داشت می‌توان این نوع تهدیدات

را کنترل و مهار نمود، اما در صورت از بین رفتن این فاکتورهای مثبت توسط دشمن، اقتدار و حیات نظام به خطر خواهد افتاد. (پیری، ۱۳۸۱، ص ۴-۶)

زمینه‌های تبدیل نارضایتی به ناآرامی

۱- وجود یا فقدان هدف‌های جایگزین برای ناکامی: یافته‌های جامعه‌شناسان در مورد رابطه بین وجود فرصت‌های آموزش زیاد توسط اتحادیه‌های صنفی بزرگ و سیستم‌های حزبی از یک‌سو و میزان ناآرامی‌های سیاسی از سوی دیگر نشان می‌دهد که هرچه متغیرهای یاد شده بیشتر حضور داشته باشند، میزان ناآرامی کمتر خواهد بود. کانالیزه کردن انرژی و آمال گروه‌های ناکام و نارضاضی به سوی فعالیت‌های جایگزین، از فوران کردن و تبدیل آنها به اعتراض جلوگیری می‌کند.

۲- توجیه خشونت سیاسی توسط گروه دچار ناکامی: منظور از توجیه خشونت سیاسی، دو دیدگاه مرتبط با هم و درعین حال متمایز از هم درباره خشونت سیاسی است که بر تصمیم افراد برای توسل به آن تأثیر می‌گذارد.

دیدگاه اول: توجیه هنجاری خشونت خوانده می‌شود.

دیدگاه دوم: توجیه فایده‌ای خشونت خوانده می‌شود.

۳- عنصر توجیه روانی و فرهنگی: منظور آن الگوهای جامعه‌پذیری است که نگرش‌های موافق خشونت را در اعضای جامعه درونی می‌سازد و مجوزهای هنجاری را برای برخی انواع رفتار پرخاشگرانه فراهم می‌کند.

۴- سیاسی‌شدن نارضایتی‌ها و مشکلات: منظور این است که یک مسأله یا مشکل از ابتدا سیاسی نیست اما ممکن است مردم آن را به سیاست نسبت دهند.

۵- تجربه خشونت‌های جمعی قبلی در یک جامعه: جامعه‌ای که در تاریخ گذشته، خشونت‌های متعددی را تجربه کرده باشد آمادگی بیشتر برای توسل به خشونت

دارد. هرچه میزان خشونت‌های گذشته بیشتر و از نظر زمانی نیز به هم نزدیکتر باشد مردم بیشتر انتظار دارند رویداد همانندی در آینده رخ دهد.

۶- نقش نشانه‌ها و نمادهای خشونت در برانگیختن خشونت‌های جمعی: محققان براساس شواهد تجربی در تجمعات دریافته‌اند که تنها ابراز کلمات خصومت آمیز سبب می‌شود که میزان رفتار پرخاشگرانه افزایش یابد.

۷- پشتیبانی گروهی: شواهد تجربی متعددی وجود دارد دال براینکه افراد، هنگامی که در گروه‌های بسیار منسجم به سر می‌برند بیش از زمانی که تنها هستند و یا در یک گروه دارای انسجام بسیار ضعیف به سر می‌برند، گرایش به دشمن از خود نشان می‌دهند. (نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۷۹، ص ۳۹ تا ۲۹)

عوامل مؤثر بر مقابله با تهدیدات داخلی:

- ۱- وحدت ملی و اعتقادی
- ۲- اعتقاد متقابل ملت با سیستم رهبری (هیأت حاکمه)
- ۳- اقتدار نظام در اعمال قانون
- ۴- توانایی نظام و مقابله با بحران‌های داخلی
- ۵- سلامت سیستم اقتصادی و اداری کشور
- ۶- توسعه پایدار به طور هماهنگ
- ۷- عدم تأثیرپذیری فرهنگ بومی از نظر عوامل بیگانه
- ۸- عدم وجود نیروی گریز از مرکز
- ۹- وجود مشروعیت نظام حاکم در نزد افکار عمومی. (پیری، ۱۳۸۲، ص ۱۵ و ۱۶)

بحران

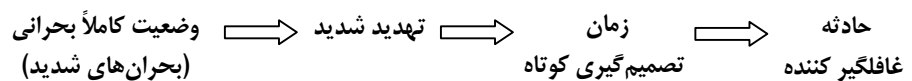
تعریف: وضعیتی است که هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم گیرنده را تهدید می‌کند و زمان واکنش را محدود می‌سازد. (مهری، ۱۳۷۴، ص ۵)

بحران‌ها موقعیت‌هایی هستند که مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده‌اند. بحران‌ها پیش زمینه تلاقی رویدادهایی هستند که شرایط جدید و ناشناخته‌ای را پدید می‌آورند. این امر، محیطی سرشار از بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند و این احساس را قوت می‌بخشد که دیگر نظارتی بر رویدادها و شرایط اعمال نمی‌شود. بحران برای ساختارهای بروکراتیک و مدیریتی، ضرورت تصمیم‌گیری در شرایط غیر عادی همراه با محدودیت زمانی و نقصان اطلاعات و سردرگمی عمومی پیش می‌آورد.

چون بحران‌ها اغلب غیره منتظره‌اند، بنابراین اطلاعات کافی درباره موضوع در دسترس نیست و اغلب، موارد دسته‌بندی شده و مطابق با ویژگی‌های وضعیت بحرانی را نمی‌توان یافت. (مک‌کارتی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۷)

وضعیت‌های هشت‌گانه در مدیریت بحران

۱- وضعیت کاملاً بحرانی



در این وضعیت هدف‌های عمده ملی مورد مخاطره قرار می‌گیرد. محدودیت زمان همراه با شرایط روانی عناصر تصمیم‌گیرنده دولت، ضرورت احتراز و صرف‌نظر کردن از روش‌های مألوف بوروکراسی را ایجاب می‌کند، با توجه به اینکه زمان محدود است، امکان دستیابی به اطلاعات صحیح و قابل اعتماد مقدور نیست. در عین حال می‌باید حتی‌الامکان اطلاعات مبنا را راجع به وضعیت پیش‌آمده، هرچه دقیق‌تر، بیشتر

و سریعتر گردآوری نمود. به عنوان مثال : واقعه ۱۱ سپتامبر در کشور آمریکا در سال ۲۰۰۱ مطابق با ۲۰ شهریور ۱۳۸۰.

۲) وضعیت نوظهور

حادثه $\Rightarrow$ زمان $\Rightarrow$ تهدید شدید $\Rightarrow$ وضعیت نوظهور
غافلگیر کننده $\Rightarrow$ تصمیم گیری بلند

در این وضعیت عوامل دست‌اندرکار تصمیم‌گیری دارای امکانات گسترده‌ای برای مطالعه و ارائه طریق می‌باشند و فرصت مناسب‌تری برای دفاع از روش و راه‌کارهای اتخاذ شده دارا هستند. به عنوان مثال: جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹

۳) وضعیت کند

حادثه $\Rightarrow$ زمان $\Rightarrow$ تهدید ضعیف $\Rightarrow$ وضعیت کند
غافلگیر کننده $\Rightarrow$ تصمیم گیری بلند

در این وضعیت رویداد، غافلگیرکننده است. تصمیم‌گیرندگان در این حالت سعی در احتراز از اقدام به عمل نموده و عموماً به مباحثی می‌پردازند که هرگز منجر به تصمیم نهایی نمی‌گردد. حالت غافلگیرانه رویداد مبین این است که طرح و راه کار از پیش آماده‌ای برای رویارویی آن وجود ندارد.

به عنوان مثال: حرکت نظامی ضد انقلاب در منطقه شمال غرب

۴- وضعیت ویژه یا موردی

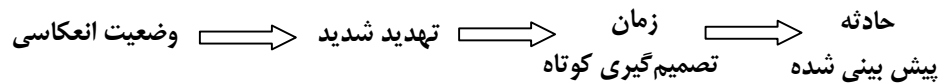
حادثه $\Rightarrow$ زمان $\Rightarrow$ تهدید ضعیف $\Rightarrow$ وضعیت ویژه
غافلگیر کننده $\Rightarrow$ تصمیم گیری کوتاه $\Rightarrow$ یا موردی

در این حالت نیاز به اتخاذ تصمیمی دارد که قبل از مشکل‌تر شدن اوضاع، به نحوی آن را مهار کند. لیکن منافع حیاتی مهمی در این حالت در مخاطره قرار نمی‌گیرد. به



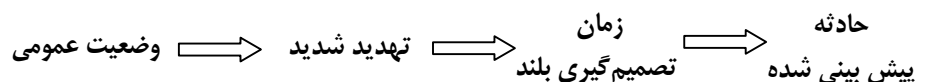
عبارت دیگر متغیرهای سه گانه (تهدید، زمان، درجه آگاهی)، نقش تعیین کننده‌ای در اتخاذ تصمیم ایفا می‌کند. مثلاً بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در ایران در ۴ نوامبر سال ۱۹۷۹، (۱۳ آبان ۱۳۵۸).

۵- وضعیت انعکاسی



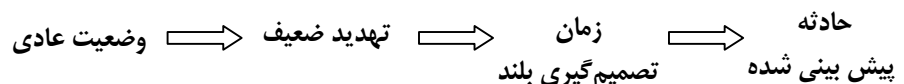
باتوجه به کوتاهی زمان در اخذ تصمیم، امکان تحقیق و تعمق و مشاوره برای دستیابی به راه‌کارهای مقابله و برخورد با بحران وجود ندارد. لذا این وضعیت همانند وضعیت کاملاً بحرانی خواهد بود؛ با این تفاوت که دست‌اندرکاران از قبل انتظار وقوع بحران را داشته‌اند و پیش بینی لازم برای مقابله با آن انجام داده‌اند. به عنوان مثال: حوادث غیر مترقبه (زلزله بم)

۶- وضعیت عمومی



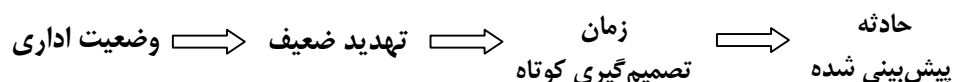
در این وضعیت تهدید شدید است ولی زمان تصمیم‌گیری زیاد است و امکان مشورت و بررسی جوانب رویداد را فراهم می‌کند و مشورت‌ها منحصر به گروهی معدود در سطح بالای تصمیم‌گیری نمی‌گردد. به همین دلیل اخذ تصمیم نهایی به دلیل وجود راه‌کارهای متعدد دچار اشکار می‌گردد. به عنوان مثال: ترور شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و... توسط منافقین.

۷- وضعیت عادی



این وضعیت درست در مقابل تهدید شدید قرار می‌گیرد. چنین رخدادهایی معمولاً هرچند یک بار پیش می‌آید و چون قابل پیش‌بینی است، مسئولین با برنامه‌ریزی و راه‌کارهایی در روش‌های جاری خود به موقع از آن استفاده می‌نمایند. به عنوان مثال: ناآرامی به لحاظ تقسیمات کشور.

۸) وضعیت اداری



در این وضعیت تصمیمات عموماً به رده‌های متوسط مقامات مربوط می‌شود: یعنی کسانی که دارای اختیارات کافی برای بسیج کردن گروهی از متخصصین، به منظور دستیابی به یک تصمیم سریع برای مقابله با یک تهدید ضعیف می‌باشند. رویداد حادث شده مخاطره اندکی برای منافع ملی و حیاتی کشور دارد. به عنوان مثال: ناآرامی‌ها به لحاظ مشکلات اقتصادی (کاظمی، ۱۳۶۶، ص ۴۵ تا ۳۳)

عوامل مؤثر در ایجاد بحران

۱- موقعیت جغرافیایی

الف) کشور مورد نظر گذرگاهی است (دستیابی کشورها از طریق کشور مزبور به مناطق دیگر)

ب) بری است (اطراف کشور خشکی است)

ج) بحری است (اطراف کشور دریا است)

د) تاریخی است.

۲- ادعای ارضی همسایگان (از لحاظ تاریخی، نژادی، اقتصادی)

۳- نیروی گریز از مرکز (داخلی، خارجی)

۴- اقلیت‌ها (خودمختار، جدایی طلب)

۵- سیستم اداری و سیاسی داخل کشور

۶- جمعیت، نژاد، جنس

۷- عوامل طبیعی

الف) اقلیم

ب) وضعیت توپوگرافی (شکل ناهمواری‌ها، موازی مرز، عمود بر مرز، محدب، مقعر)

ج) پوشش گیاهی

۸- وسعت، شکل سرزمین و شکل مرزها (مهری، ۱۳۸۱، ص ۲۱)

- قلمرو مکانی بحران‌ها (بحران‌های سیاسی)

۱- بحران‌های داخلی: شرایط غیر متعارفی است که معمولاً در ساختار سیاسی یک

کشور روی می‌دهد که برحسب ماهیت، شدت، دامنه، زمان و نوع عوامل درگیر در

آن به انواع مختلفی تقسیم می‌شود:

- مبارزه سیاسی گسترده

- اختلافات شدید جناحی

- اعتصابات گسترده کارگری

- آشوب‌های خیابانی (سیاسی، اجتماعی)

- شورش‌ها

- جنگ‌های پارتیزانی

نواحی بحران خیز

هیچ‌گاه بحران‌های داخلی تنها ناشی از عملکرد داخلی یک کشور نیست بلکه تحت

تأثیر جریان‌های سیاسی و اقتصادی است که از سوی دولت‌های دیگر اعمال می‌شود،

لذا ایفای نقش جریان‌های سیاسی و اقتصادی و دول خارجی را نیز می‌توان عاملی

برای ایجاد بحران داخلی در یک کشور قلمداد نمود که شامل موارد زیر است:

الف- نواحی بحرانی دائمی و شدید: نواحی هستند که به دلایل قومی، نژادی، زبانی و مذهبی دچار بحران دائمی و شدید است و دولت عموماً مجبور است از قوه قهریه استفاده کند. مثل: پنجاب و کشمیر برای هند، ایرلند شمالی برای بریتانیا و نوار غزه برای اسرائیل. مناطق مزبور خواهان استقلال کامل یا پیوستن به همسایگان هستند.

ب- نواحی بحرانی موقت و شدید: نواحی که هرچندگاه به دلایل مختلف از جمله ایجاد فضای باز سیاسی یا تغییر عمده در روابط بین‌الملل یا تضعیف شدن حکومت مرکزی یا دخالت بیگانگان و اغتشاشات مرزی دچار بحران‌های شدیدی می‌شود. مثل مناطق کردنشین عراق.

ج- نواحی بحرانی دائمی و خفیف: نواحی هستند که در طول یک دوره بلند یا نسبتاً بلند و به صورت مستمر دستخوش بحرانی دائمی بوده‌اند. بروز این بحران جلوه آنی ندارد؛ بلکه به صورت ضعیف یا حتی مخفی است. ناحیه مزبور همانند تب مالت است که دائماً با تب خفیف و آزاردهنده روبه روست. ولی احتمال غافلگیری نیز وجود دارد. وضعیت جمهوری‌های شوروی سابق مثل چین چنین است.

د- نواحی بحرانی انعکاسی: نواحی که معمولاً نقش آینه را برای جریان‌ات پیرامون یا مرکز ناحیه بحرانی دیگر ایفا می‌کند. مثل کشورهای یوگسلاوی و آلبانی بعد از بروز بحرانی در مرکز (شوروی).

ه - نواحی بحرانی موردی: نواحی هستند که به دلیل جایگاه خاص و قانون بودن آن به لحاظ ایدئولوژی، اقتصادی و... و نقطه جذب علایق و منافع بودن، می‌توانند باعث بروز بحران‌های غافلگیر کننده و موردی شوند. مثل: مساجد، کلیساها، بازارها و اماکن مذهبی (مشهد، قم)

۲- بحران‌های بین‌المللی: بحرانی که در یک ناحیه حادث گردد و باعث شود حدود و ثغور آن، سراسر جهان را فراگیرد. مانند:

- الف) اختلافات میان دو کشور همسایه که زمینه ایجاد بحران سیاسی تا جنگ تمام عیار را فراهم می‌کند. (جنگ ایران و عراق)
- ب) اختلاف میان دو کشور غیرمجاور که حتی ممکن است از دو قاره باشند. (آمریکا و کره شمالی)
- ج) بحران شامل یک محدوده وسیع جغرافیایی که بخشی از یک قاره را شامل می‌شود. (خاورمیانه)
- د) برخی از رویدادهای سیاسی به دلیل اهمیت و وسعت دامنه موضع‌گیری، ابعاد جهانی پیدا می‌کند و کلیه کشورها را شامل می‌شود. (جنگ جهانی) (مهری، ۱۳۸۱ ص ۱۸ تا ۱۵)

مدیریت بحران

تعریف: ساختار تصمیمات سیاسی و اداری و همچنین فعالیت‌های عملی را که به مراحل مختلف بحران در تمامی مقاصد مربوط می‌شود، مدیریت بحران گویند.

اهداف مدیریت بحران: ۱- کاهش پتانسیل خطر ۲- اعمال کمک فوری و در خور توجه به هنگام ضرورت ۳- دستیابی سریع و عملی به جبران وضع موجود و بازگشت به وضعیت اولیه.

نقش اطلاعات در مدیریت بحران

۱- محدودیت بحران: به منظور پرهیز از اوج‌گیری بی‌حاصل بحران و افزایش امکان و موقعیت هر یک از طرفین برای دستیابی به نتیجه مطلوب از موقعیت بحرانی، طرفین درگیر باید هدف‌های خود را محدود کنند. نیل به این هدف مستلزم آگاهی از میزان قاطعیت حریف است تا بتوان مقاومت وی را کاهش داد. از همین نخستین مورد، نیاز به اطلاعات معلوم می‌شود. اطلاعات، ابزار سنجش مقاومت یک طرف در مقابل نیت‌های طرف مقابل است و نمایانگر این هنجار است که تصمیم‌گیری باید مبتنی بر درک واقعیت باشد.

۲- مهار ابزار برای دستیابی به هدف‌ها: به منظور جلوگیری از افزایش تنش‌های حاصل از بحران طرف‌های درگیر، باید در بهره‌گیری از ابزار زور و فشار، برای خود محدودیت‌هایی قائل شوند. این نکته مبتنی بر اصلی است که به موجب آن میان هزینه و سود نسبتی برقرار است. منطق نهفته در این استدلال این است که زیاده‌روی در به کارگیری زور، مقاومت بیشتر طرف متخاصم را برمی‌انگیزد. براین اساس تغذیه اطلاعاتی، مدیران بحران را در ارزیابی اثرات اعمال فشار بر حریف و میزان توفیق و کفایت آن فشار یاری می‌کند.

۳- ضرورت اطلاعات: لزوم استفاده از اطلاعات به مثابه سازوکار حمایتی برای افزایش توانمندی‌های کارگزاران در درک ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های موقعیت موجود و تصمیم‌گیری‌های لازم از وجوه اساسی است. اگرچه اطلاعات همواره به مثابه یکی از اصول کلی مدیریت بحران شناخته شده است، نمی‌توان آن را به طور مجرد و جدا از مجموعه شرایط بررسی کرد.

۴- برنامه‌ریزی شرایط اضطراری و توانمندی‌ها: توانمندی‌های مناسب برای مدیریت بحران و ضرورت برنامه‌ریزی برای شرایط اضطراری، از دیگر اصول مدیریت بحران است. برنامه‌ریزی شرایط اضطراری، به ارتباط تنگاتنگ میان تصمیم‌گیران و جامعه‌ی اطلاعاتی می‌انجامد. ارتباط برای ایجاد پیوند نزدیکتر میان تولید کننده و مصرف کننده اطلاعات نه تنها الزامی است بلکه اهمیت حیاتی دارد.

۵- ارتباط: شیوه مدیریت بحران و ماهیت رابطه تولید کننده و مصرف کننده، نقش مهمی را در تعیین نحوه‌ی دستیابی به ارتباط ایفا می‌کند. دو رهیافت اساسی در قبال مدیریت بحران در اندیشه سنتی، شامل رهیافت‌های تک مرکز و چند مرکز می‌شود. بر مبنای رهیافت تک مرکز، مدیریت بحران در دست افراد معدودی به نام تیم مدیریت بحران است که عملاً گروه بسته‌ای را تشکیل داده و یکپارچگی و انسجام بیش از حد

گروه، انحصار گروهی را ایجاد می‌کند. بنابراین ارائه گزارش چندگانه به مصرف کننده در کارکرد جامعه اطلاعاتی و تبادل اطلاعات غیرقابل قبول تلقی می‌شود. از سوی دیگر، رهیافت چند مرکز، تعامل میان فعالان رقیب و مخالف را به رسمیت می‌شناسد و رقابت را همچون وسیله‌ای برای اعمال نظارت سالم و تعدیل و تمرکز بالقوه قدرت تصمیم‌گیری ترویج می‌دهد. این عمل از خطرات انحصار گروهی می‌کاهد و افزایش رقابت و سطح سالم روابط بین اعضای جامعه اطلاعاتی را فراهم می‌آورد. اطلاعات در جمع‌آوری و ارزیابی این داده‌ها برای سیاست‌گذاران مفید است و موجب می‌شود تا ارتباط و بازخورد آن میان جامعه اطلاعاتی و مصرف کننده اطلاعات که ما آن را به عنوان تیم مدیریت بحران می‌شناسیم جریان یافته و متغیر مشروعیت را وارد سیستم کند که با اصل ارتباط پیوندی مستقیم دارد. (کارتی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۷)

نحوه مقابله با بحران

در هر عملیات کنترل بحران (اغتشاش داخلی)، اقداماتی بخصوص باید انجام شود تا به هدف نهایی که اعاده نظم و قانون است، منجر شود. تمام اقدامات و وظایف در تمام شرایط قابل اجرا نیست بلکه فرمانده نیروی کنترل کننده و فرمانده یگان تصمیم می‌گیرند که چه عملیاتی را باید در چه شرایطی انجام داد.

الف - اقدامات عملیاتی

۱- جدا کردن و قرق کردن منطقه

این اقدام شامل محدود کردن و بستن منطقه‌ای است که اغتشاش در آن رخ داده است و هدف از این عمل حفاظت از سرایت بی‌نظمی به جای دیگر و تسریع در امر پراکنده کردن و محافظت از ورود افراد غیر مجاز به داخل منطقه می‌باشد که می‌توان با موانع ضد نفر، سد جاده برای خودروها و ساختن موانع راه، آن را عملی نمود.

۲- حفاظت از هدف‌های احتمالی

تأسیسات (حیاتی و حساس)، ساختمان‌های خدمات عمومی و... برای جامعه حائز اهمیت هستند و لازم است برای جلوگیری از تخریب آنان تأمین لازم به عمل آید. مثل: محل‌هایی که در آن اسلحه و مهمات نگهداری می‌شود؛ محل‌هایی که تخریب آن باعث قطع آب و برق می‌گردد؛ محل‌هایی که بهداشت جامعه را به خطر می‌اندازد تخریب ساختمان‌های دولتی که باعث وقفه در کار مجریان دولت می‌شود.

۳- کنترل ازدحام یا اغتشاش:

روش مناسب برای کنترل انواع ازدحام یا اغتشاش بستگی به عواملی دارد؛ از قبیل: شدت اغتشاش، اذهان عمومی، خط‌مشی‌های جاری، حالت، هدف، ترکیب و فعالیت اغتشاش کنندگان، مقدورات و آمادگی‌های نیروهای کنترل کننده، منافع کوتاه و دراز مدت اقدامات نیروی کنترل کننده، شرایط جوی، منطقه و زمان فرماندهی می‌تواند با توجه به عوامل ذکر شده روش مناسب را انتخاب نماید. به طور کلی چهار روش برای کنترل در اختیار فرمانده می‌باشد:

۱- نظارت بر پیشرفت فعالیت، آگاهی از خواسته‌های آنان و احتمالاً متقاعد کردن آنان و نظاره کردن تیم‌های کنترل کننده که برای گذراندن وقت و رسیدن نیروی کمکی نیز مؤثر است

۲- سد کردن شامل ایجاد موانع فیزیکی برای جلوگیری از پیشروی اغتشاش‌گران به طرف هدف‌های مورد نظر می‌باشد.

۳- محاصره کردن: این عمل شامل به عقب‌راندن و متوقف کردن افرادی است که منطقه‌ای را اشغال کرده‌اند تا بتوان از فعالیت‌های بعدی آنان جلوگیری کرد.

۴- پراکنده کردن: این روش برای متفرق کردن خصوصاً در مناطق شلوغ شهر صورت می‌گیرد که می‌توان از طریق نشان دادن قدرت، با استفاده از آرایش‌های ضد شورش و استفاده از عوامل کنترل شورش اقدام نمود.



۵- خنثی کردن تهدیدات ویژه: انجام این فعالیت شامل کاهش دادن یا حذف کردن شرایطی است که باعث ادامه پیدا کردن بی‌نظمی در منطقه آشوب می‌شود.

۶- برقراری کنترل منطقه: روش‌های مناسب برای برقراری کنترل منطقه را می‌توان با تعداد نفرات برای تأمین، گشتی‌های پیاده و موتوری، منع عبور و مرور در شب و ... اجرا نمود.

ب- اقدامات تکمیلی: اقدامات دیگری هستند که باید همواره و همزمان با پنج اقدام عملیاتی انجام گیرد؛ شامل:

۱- جمع‌آوری، ضبط و گزارش اطلاعات: باید نفراتی در داخل یگان برای ثبت گزارش و اطلاعات مشخص شوند.

۲- دستگیری شورشیان: دستگیری افراد شورشی یا قانون شکن در حین عملیات کنترل با توجه به نکات قانونی آن از اقدامات لازم می‌باشد.

۳- حفظ ارتباطات: ارتباط کامل و مؤثر بین نیروهای عمل کننده باید برقرار باشد.

۴- نگهداری احتیاط متحرک: باید نیروی احتیاط متحرک به صورت آماده باشد تا در مواقع لزوم و حوادث غیر منتظره خود را به منطقه عملیات برساند.

۵- آگاهی دادن به مردم: برای جلوگیری از پخش شایعات و اطلاعات غلط باید به رسانه‌های جمعی اجازه داد تا برای تهیه حقایق به منطقه دسترسی داشته باشند.

۶- حفاظت عملیات آتش‌نشانی: از عده‌ای برای حفاظت از پرسنل و اتومبیل‌ها و تجهیزات آنان به عنوان تأمین باید استفاده نمود.

۷- بازداشت افراد: منظور از بازداشت کردن، متوقف کردن اقدامات غیرقانونی، شناسایی حمله کنندگان و تعقیب قانونی آنان می‌باشد.

۸- پاکسازی و بازرسی: لازم است در پایان اقدامات تکمیلی، کل منطقه آشوب اعم از خیابان‌ها، پارک‌ها، اماکن عمومی و ... بازرسی و پاکسازی شود. (مهری، گرمابدری،

پاکارد، ۱۳۷۴، ص ۸۱ تا ۵۷)

مراحل مقابله با بحران

الف - قبل از بحران

- ۱- بررسی زمینه‌ها و علل ایجاد بحران
- ۲- جمع‌آوری اخبار و اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها
 - ۲/۱- حجم آشوبگران
 - ۲/۲- قدرت رهبری آشوبگران
 - ۲/۳- ماهیت آشوب
 - ۲/۴- هدف آشوب
 - ۲/۵- میزان مسلح بودن آشوبگران
 - ۲/۶- زمان آشوب
 - ۲/۷- نوع و محل برگزاری آشوب
- ۳- تهیه طرح‌های احتیاطی
- ۴- تهیه بودجه‌های مورد نیاز
- ۵- تهیه امکانات و تجهیزات مورد نیاز
- ۶- انتخاب نیروهای ویژه

ب: حین بحران

- ۱- ایجاد ستاد یا گروه بحران
- ۲- ارتباط ، همکاری و هماهنگی با مبادی ذی‌ربط
- ۳- تعیین مسئول اداره بحران
- ۴- تصمیم‌گیری صحیح و سریع (سنجیده عمل کردن)
- ۵- ارزیابی اهداف آشوبگران
- ۶- توجه به خواسته‌های آنان



- ۷- همکاری با مطبوعات
- ۸- دسته‌بندی کردن اطلاعات
- ۹- در جریان گذاشتن مردم از وقایع
- ۱۰- ثبت وقایع
- ۱۱- خودداری از مصاحبه و بیان مطالبی که باعث احساساتی کردن طرف مقابل می‌شود.

تاکتیک‌های مذاکره

- ۱- عدم تهدید
- ۲- بیان یک بحث به طور کامل (تقسیم موضوعات به صورت کوچک)
- ۳- مشاجره نکردن
- ۴- داد و ستد در مذاکره
- ۵- تعیین یک مقام مافوق: اگر مقام بالاتر را برای همیاری شما تعیین نکرده‌اند حتماً تقاضا کنید این کار را انجام دهند، یا اگر خود مقام بالاتر هستید سعی نکنید زود تصمیم بگیرید.
- ۶- تاکتیک مأموریم و معذوریم.
- ۷- سؤال کردن
- ۸- استفاده از محدودیت زمان
- ۹- جلوگیری از بن‌بست مذاکره. مثلاً چشم‌پوشی یا اولتیماتوم دادن (مهری، ۱۳۸۱، ص ۳۶ و ۳۵ و آیین‌نامه آرام‌سازی نیروی زمینی سپاه، سال ۱۳۷۱، ص ۱۸ تا ۱۳)

نتیجه گیری

ایجاد بحران در اکثر جوامع امکان پذیر است، لذا برای کنترل بحران یا مدیریت بحران راه کارهایی پیشنهاد می شود:

اولاً: دستگاه های امنیتی از نظر مذهبی، قومی، اجتماعی و سیاسی روی جامعه شناخت کامل داشته باشند. با توجه به اینکه در ایران اختلاف قومی و مذهبی بعضی از استان ها را از دیگر استان ها جدا می نماید، لازم است برای ایجاد اتحاد و یکپارچگی بین اقوام و مذاهب و به طور کلی گروه های اجتماعی تلاش شود.

شناخت عوامل و پدیده هایی که عامل بروز بحران در جامعه می گردد باعث می شود در صورت ایجاد بحران بتوان در مرحله اول، آن را به راحتی کنترل نمود. در مرحله بعد با توجه به شناخت عوامل بحران از چگونگی آگاه کردن مردم و مقابله با بحران، بدون استفاده از زور را در دستور کار قرار داد و نهایتاً با ایجاد اتحاد و وفاق ملی، معرفی دشمن مشترک، تقویت روحیه، حفظ ارزش ها، رفع مشکلات و تقویت باورهای دینی و ملی نسبت به ایجاد جامعه ای یکپارچه و متحد تلاش نمود و زندگی همراه با آرامش و آسایش را برای مردم مهیا ساخت.

ثانیاً: مسئولین امر تلاش نمایند تا زمینه ها و بسترهای بحران ساز را در جامعه خنثی نمایند؛ از جمله:

- ۱- توجه نمودن به مشکلات و معضلات معیشتی و اقتصادی مردم
- ۲- معرفی کانون های متراکم ثروت های باد آورده و برخورد با آنان
- ۳- ایجاد اشتغال برای اقشار جامعه خصوصاً جوانان
- ۴- انجام کار فرهنگی و پرکردن اوقات فراغت برای جوانان
- ۵- افشا و برخورد با جریان های مروج فساد و تباهی در جامعه
- ۶- تقویت روحیه، حفظ ارزش ها و رفع شبهات دینی



منابع

- ۱- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸): فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۴، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲- رضائیان، علی (۱۳۷۱): اصول مدیریت، سمت
- ۳- کارتی، (۱۳۸۳): فصلنامه مطالعات راهبردی، ترجمه: کلاهچیان، محمود، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲۴
- ۴- کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۶): مدیریت بحران‌های بین‌المللی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۵- پیری، هادی مراد (۱۳۸۱): امنیت ملی، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه
- ۶- پیری، هادی مراد (۱۳۸۲): ساختار و ابعاد امنیت ملی و تهدیدات، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه
- ۷- مهری، عباس (۱۳۸۱): بررسی مفهوم بحران - دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه
- ۸- مهری، عباس - گرمابدری، تقی - پاکار نوشاد (۱۳۷۴): کنترل اغتشاشات - دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه - سال ۱۳۷۴
- ۹- مهری، عباس (۱۳۷۹): مدیریت بحران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه
- ۱۰- نیروی زمینی سپاه (۱۳۷۱): آئین‌نامه آرام‌سازی
- ۱۱- نیروی مقاومت سپاه (۱۳۷۹): توسعه پدافند داخلی

